

کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می کند

یوشع
مسئولیت را بر
عهده می گیرد



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

مترجم: آرمین باقری با همکاری سازمان ایمانداران

ناشر: Bible for Children

www.M1914.org

©2023 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



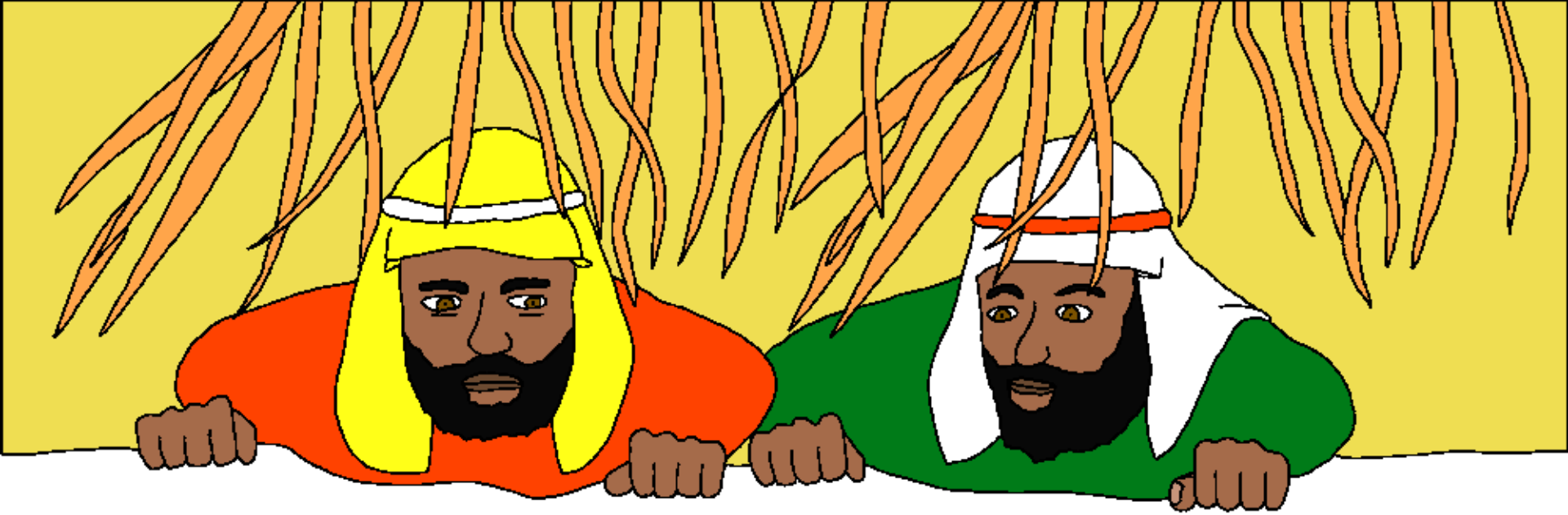
موسی از دنیا رفته بود. یوشع
میدانست که اکنون خدا او را انتخاب
کرده است تا قوم اسرائیل را رهبری
کند. قبل از اینکه یوشع ارتش خود
را آماده سازد، باید خود را آماده
میساخت. خدا به یوشع قول
پیروزی و خوشبختی
در سرزمین وعده را
داده بود، به شرط
اینکه مردم همیشه از
کلام خدا اطاعت کنند.





قوم اسرائیل قول
میدهد که از یوشع
پیروی و همیشه از
کلام خدا اطاعت کند.
رهبر جدید خردمندانه
جاسوسانی را برای
بررسی سیستم دفاعی
شهر اریحا به سرزمین
کنعان فرستاد. اولین
نبرد اسرائیل در
آنجا خواهد بود.





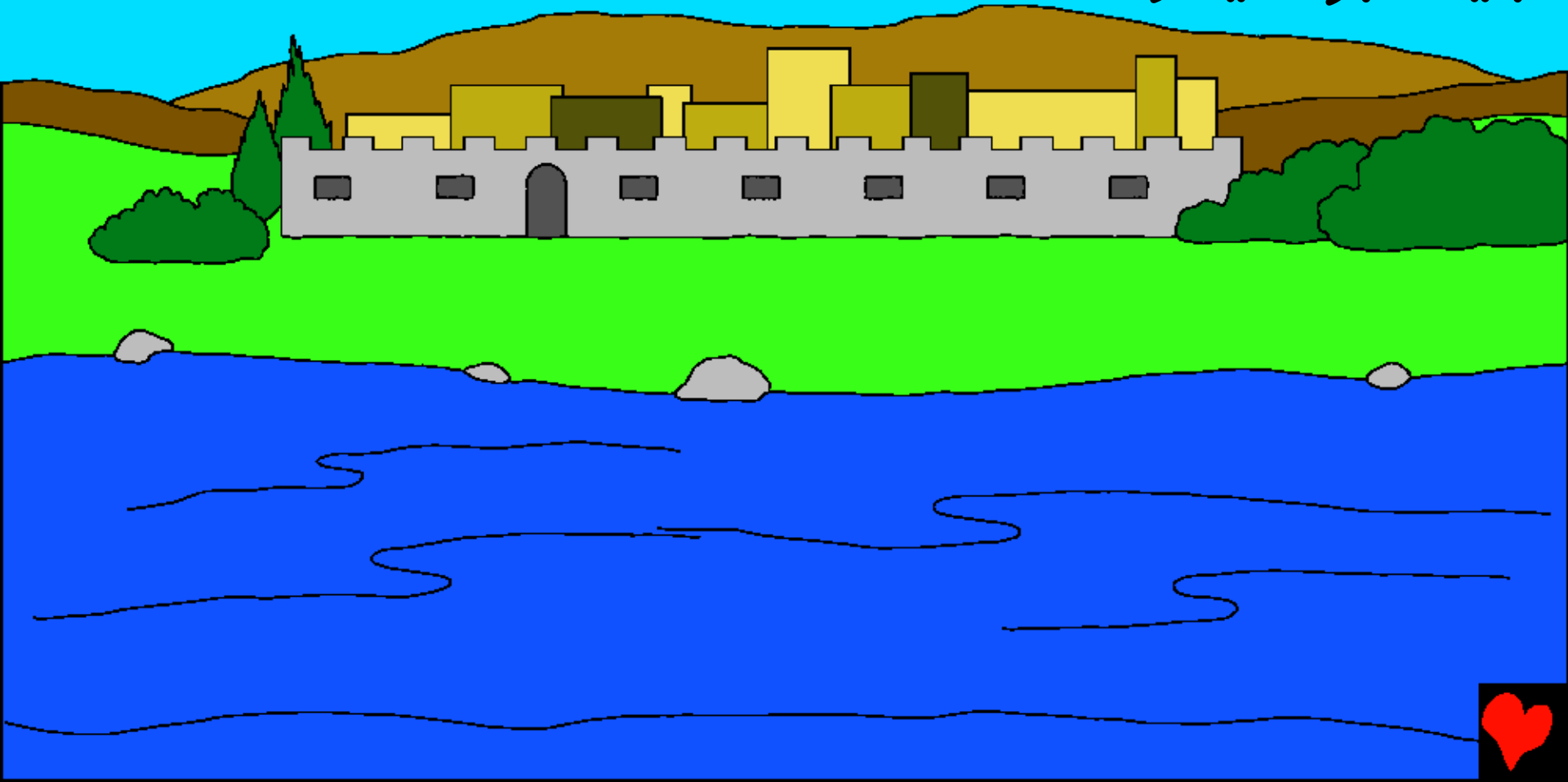
شخصی به پادشاه اریحا خبر داد که جاسوسانی
در شهر هستند. او سربازان خود را فرستاد تا آنها را
پیدا کنند. جستجو از خانه راحاب شروع شد، جایی که
این مردان اقامت داشتند. سربازان درب خانه او را با
خشونت کوبیدند. راحاب به سرعت مردان را زیر
ساقه های کتان مخفی کرد.



هنگامی که سربازان
رفتند، راحاب مردان را
با طناب به سلامت از
دیوار شهر پایین فرستاد.
چرا او به جاسوسان
کمک کرد؟ چون او
میدانست خدا با آنان
است. او میخواست که
خدا جان او را نجات
دهد. جاسوسان قول
دادند تا جان او و خانواده
اش را حفظ کنند.



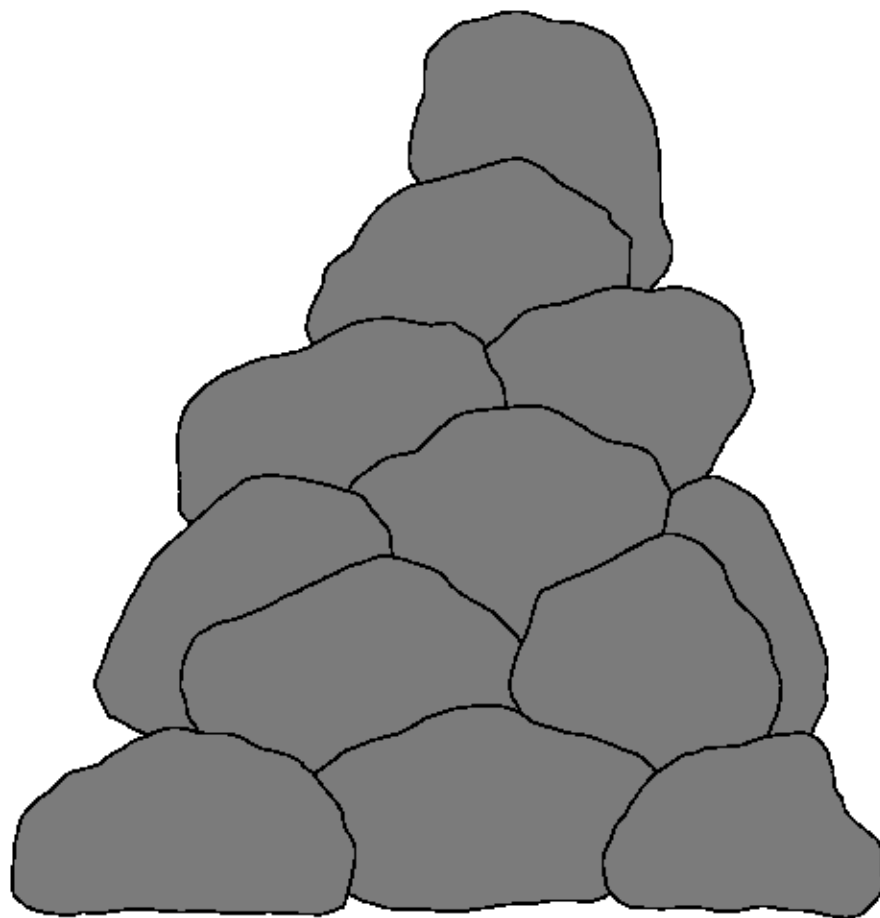
اسرائیلیان، قبل از اینکه به اریحا برسند، میبایست از رودخانه اردن برای ورود به کنعان، یعنی سرزمین وعده عبور می کردند. اما در آنجا پلی وجود نداشت. قوم چگونه باید عبور میکرد؟



خداوند به یوشع گفت کاهنان می بایست صندوق عهد را
که حامل ده فرمان می باشد بر گیرند و پیشاپیش سربازان
و قوم حرکت کنند. هنگامی که کف پای کاهنان در لبه آب
رودخانه قرار گرفت، خداوند معجزه ای کرد. خدا درست
در وسط آب راهی خشک بوجود آورد.



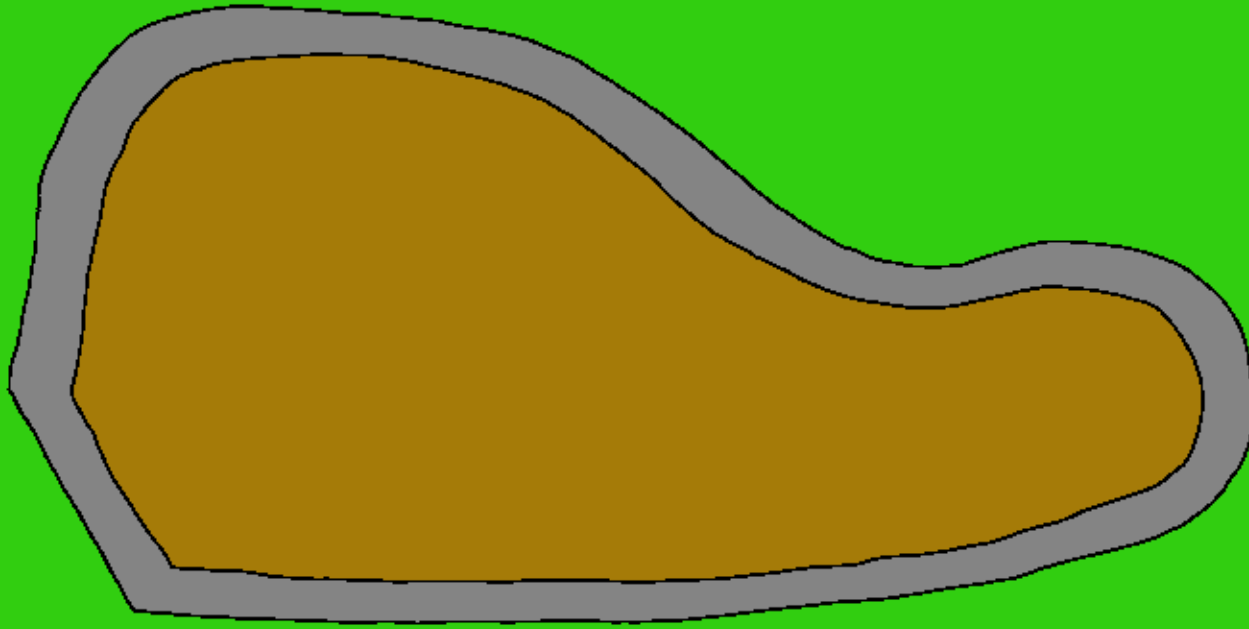
بعد از اینکه تمامی افراد
به سلامت از رودخانه
گذشتند، آن‌ها دوازده
سنگ بزرگ را در
میان رودخانه و دوازده
سنگ دیگر را در ساحل
رودخانه کنعان روی هم
گذاشتند. این سنگ‌ها
یادبودهایی بودند برای
مردم تا به فرزندانشان
درباره قدرت عظیم خدا
و محبت او تعلیم دهند.





شهر اریحا دیوارهایی قوی و ضخیم داشت. هنگامی که یوشع برنامه ریزی حمله را می کرد خدا سردار لشکرش را از آسمان فرستاد تا به رهبر جدید اسرائیلیان یادآوری کند که این خداوند است که در نبردها برای قوم خود پیروزی می آورد.



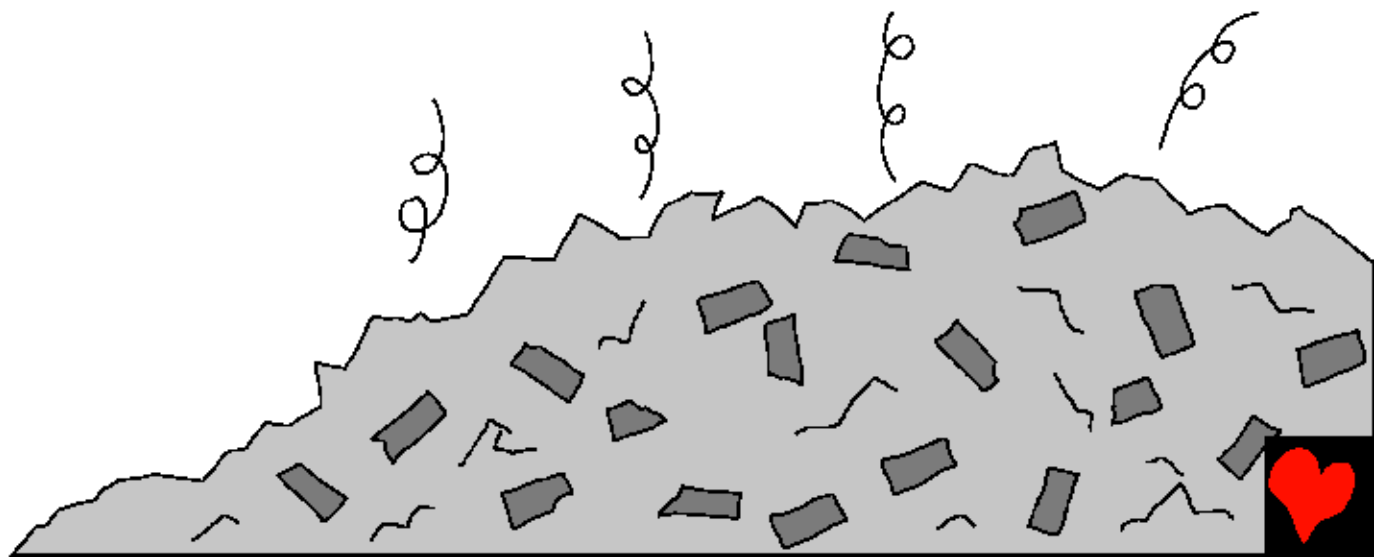
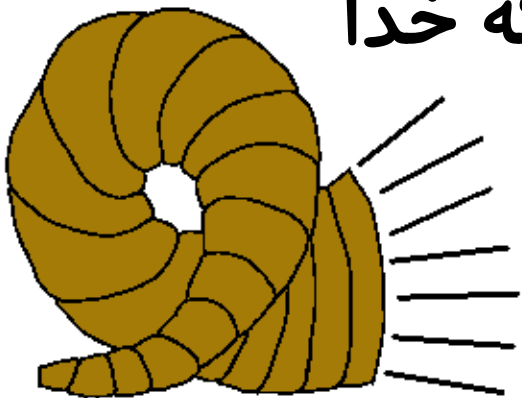


خداوند به یوشع گفت چگونه به اریحا حمله کند. نقشه خیلی عجیبی بود. قوم خدا باید تا شش روز، روزی یک بار و در روز هفتم هفت بار شهر را دور بزند. بعد از آن آنها باید شیپور بزنند و فریاد کنند، و دیوارهای شهر فرو خواهند افتاد.



یوشع و لشکرش همانطور که خدا دستور داده بود عمل کردند. ممکن است که مردم اریحا در آن زمان به آنها خندیده باشند، اما پس از دور هفتم در روز هفتم کاهن در شاخ قوچ دمید و همانطور که خدا وعده داده بود... دیوارهای بزرگ اریحا فرو ریخت.


7





تنها خانه راحاب داخل دیوار امن
مانده بود. او طنابی قرمز را به پنجره بسته
بود. مردان یوشع سریعاً راحاب و خانواده
اش را نجات دادند. پس از آن اریحا
کاملاً ویران شد، همانطور که
خداوند فرمان داده بود.



A man with a dark beard and a white turban, wearing a blue robe with a white stripe on the sleeve, is shown in profile from the chest up. He is looking towards a city in the distance that is engulfed in flames. The city has yellow and grey buildings, and a thick layer of grey smoke or ash is rising from the base of the city. The background is a simple landscape with brown hills under a blue sky.

یوشع رسماً طلا، نقره و گنج
های اریحا را وقف خزانة خدا
کرد. او سپس هر کس را که باسازی
آن شهر شرور کند لعنت کرد. به زودی همه
در کنعان شنیدند چگونه یوشع اریحا را فتح
کرد. آنها میدانستند که خدا با قوم خود است.



یوشع مسئولیت را بر عهده می گیرد
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

یوشع 1-6

" کشف کلام تو نور می بخشد. "

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



پایان



داستانهای کتاب مقدس با ما در بارهٔ خدایی صحبت می‌کنند که ما را آفرید و ارادهٔ او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانهٔ خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را بپامزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسیای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می‌کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

